

ماهنامه اجتماعی - فرهنگی

سال اول، شماره ۹، بهمن ۱۳۹۵

۱۶ صفحه، ۱۰۰۰ تومان

آوازی همپاری

ویژه شهرستان ملارد

تأملی بر توسعه گردشگری شهری

با توجه به ظرفیت های شهرستان ملارد در این زمینه



یوسف حسامی

نقش مدیریت شهری در پیشگیری از حوادث



داوود محمدی فام

سر آسیاب ملارد سراپی که نه آسیابی در آن
می چرخد، نه چرخ زندگی مردمش



محمد بها

نقش مدیریت شهری در کاهش آسیب های اجتماعی

سر آسیاب ملارد سرابی که نه آسیابی در آن می چرخد نه چرخ زندگی مردمش



آوازی همیاری

ماهنامه اجتماعی - فرهنگی، شماره ۹۵، بهمن ۱۳۹۵

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:

مهرزاد شفیق پور

ویراستار:

فریبا اعظمی

آدرس نشریه:

تهران، ملارد، بلوار نیایش، روبروی فاز ۲ اندیشه، مجتمع مسکونی فرهنگیان نیایش، بلوک ۵A، طبقه ۴، واحد ۱۶.

کد پستی ۳۱۶۹۹۹۶۲۰

تلفن:

۰۲۱۶۵۵۰۶۸۰۱-۰۹۱۰۶۶۰۱۳۰۹

پست الکترونیک:

avayehamyari@gmail.com

آدرس سایت:

www.avayehamyari.ir

لیتوگرافی و چاپ:

آیین چاپ، تهران، خیابان انقلاب، پل چوبی، نش خیابان اعتمادی،

پلاک ۲۴۰، کد پستی ۱۱۴۹۶۷۸۵۱۱

تلفن چاپخانه:

۰۲۱۷۷۵۲۰۰۳۵

عکس روی جلد: حشمت الله اسحاقی

دشت شقایق روستای اختر آباد ملارد

همراه شو

ای همنوع، ای هم وطن

همراه و همیار من تویی

درد من، درد توست

گریه من، گریه توست

خنده من، خنده توست

شادی من، شادی توست

بیا که امروز

همراه و یار هم باشیم

که فردا دیر است

سرمقاله

۴ نقش مدیریت شهری در پیشگیری از حوادث

یادداشت

۵ نابودی سپر سبز دفاعی تهران

جامعه

۶ سرآسیاب ملارد سرابی که نه آسیابی در آن

می چرخد، نه چرخ زندگی مردمش

آسیب شناسی اجتماعی

۱۰ نقش مدیریت شهری در کاهش آسیب های

اجتماعی (اعتیاد)

اقتصاد و گردشگری

۱۲ - تأملی بر توسعه گردشگری شهری

با توجه به ظرفیت های شهرستان ملارد در این زمینه

نقش مدیریت شهری در پیشگیری از حوادث

یوسف حسامی
(کارشناس مطالعات اجتماعی)



تبیین مفاهیم موجود در این دانش، می‌توان تا حد زیادی اثرات و تبعات ناشی از حوادث را کاهش داد و از طرفی برنامه‌ریزی شهری می‌تواند نقش موثری در این مقوله داشته باشد. هدف کلی برنامه‌ریزی شهری برای پیشگیری از بلایا، تشخیص فرآیند عناصر مخاطره‌آمیز و تقویت ایمنی محیط، به واسطه بهبود و اصلاح شهر و شهرسازی است.

آمادگی ساختار فیزیکی شهر در مقابل سوانح تا حد زیادی تابع مکان استقرار و جغرافیای طبیعی آن و همچنین مشخصات کالبدی سکونتگاهها می‌باشد. با توجه به اینکه این سوانح نه تنها بر کالبد شهر بلکه بر فعالیت‌های ساکنان نیز اثرات زیادی می‌گذارد، بایستی به نقش برنامه‌ریزی شهری در فرایند مدیریت سوانح شهری توجه خاص داشت. نقش مدیریت برنامه‌ریزی و طراحی شهری در دو مقوله ایمنی سکونتگاهها و نیز سرعت بخشیدن و تسهیل اقدام‌های مدیریت سوانح، عینیت می‌یابد که جهت تحقق آنها منوط به شرایط کاربری شهری و ویژگی‌های کالبدی است.

وضعیت بد استقرار عناصر کالبدی و کاربری‌های نامناسب زمین‌های شهری، شبکه ناکارآمد شهر، بافت شهری فشرده، تراکم‌های شهری بالا، وضعیت بد استقرار تأسیسات زیربنایی شهر و کمبود و توزیع نامناسب فضاهای باز شهری و ... نقش اساسی در افزایش میزان آسیب‌های وارده به شهرها هنگام وقوع سوانح به خصوص در مورد زلزله دارند.

براین اساس سیاست ارتقای تاب‌آوری شهری به عنوان یکی از اهداف اصلی بازآفرینی شهری پایدار مطرح است. تاب‌آوری شهری به عنوان یکی از ابعاد کلیدی توسعه پایدار، در معنای «قابلیت شهر در آمادگی، پاسخگویی و سلامت عمومی، اقتصاد و امنیت» تعریف شده است. یک جامعه برخوردار از تاب‌آوری، توانایی پاسخگویی در برابر تغییرات به شیوه‌هایی موثر و مثبت را دارد به گونه‌ای که علی‌رغم تغییر، عملکردهای اصلی و انسجام اجتماعی خود را از دست نمی‌دهد.

برای تاب‌آوری شهری شهرها در برابر بلایا اصول دهگانه‌ای در نظر گرفته شده است: بر قرارسازی نظم و هماهنگی برای درک خطرپذیری بلایا، اختصاص بودجه برای کاهش خطرپذیری بلایا، نگهداری به روز داده‌ها و تهیه ارزیابی‌های خطرپذیری، حفظ زیرساخت‌های حیاتی برای کاهش خطرپذیری، ارزیابی ایمنی همه مدارس و تأسیسات درمانی، کاربرد و اجرای مقررات ساختمانی واقع بینانه و اصول برنامه‌ریزی کاربری اراضی مطابق خطرپذیری احتمالی، حصول اطمینان از تنظیم برنامه‌های درسی و آموزشی، حفاظت از زیست‌بوم‌ها و سپر(بافر)های طبیعی، سیستم‌های هشدار دهنده سریع و مدیریت سوانح، قرار گرفتن نیازهای آسیب دیدگان در محور عملیات.

تاب‌آوری شهری رویکردی است که می‌بایست به صورت فرایندی و پیوسته در مسیر حیات شهر جریان داشته باشد و مدیریت شهری یکی از نهادهایی است که در ایجاد یا تقویت این فرایند و پیوستگی و تداوم آن در زندگی شهر نقش و مسئولیت‌های جدی به عهده دارد.

از سال ۲۰۱۰ نهضت شهرهای تاب‌آور در جهان آغاز شده است

می‌دانیم سرزمین ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و زمین‌شناسی، از جمله ۱۰ کشور سانحه خیز جهان به شمار می‌آید و همواره بر اثر بروز سوانحی مانند سیل، زلزله، خشک‌سالی، طوفان و... خسارات جانی و مالی قابل توجهی به کشور وارد آمده است. از سویی دیگر، حفاظت از جان انسان‌ها، اموال آنها و همچنین حفظ سرمایه‌های ملی، حفظ روحیه انسجام و وحدت ملی در کنار ایمن‌سازی و پایدارسازی زیرساخت‌های حیاتی شهر باید از اهداف کلی مدیریت شهری باشد. برای رسیدن به این اهداف باید به ایجاد امنیت پایدار در توسعه و ارتقای آمادگی مردمی در مقابله با انواع تهدیدات پرداخت که البته تحقق این اهداف در گرو رفع موانع از طریق قانون، افزایش هماهنگی میان دستگاه‌ها و استقرار نظام جامع مدیریت بحران خواهد بود. سال‌هاست راه‌های کاهش اثرات سوانح طبیعی در کشور مورد توجه قرار گرفته و تلاش می‌شود تا همگام با تجربه‌های جهانی در این حوزه، شاخص ایمنی و آمادگی در برابر سوانح طبیعی ارتقا یابد. در این میان، برنامه‌ریزی برای پیشگیری و افزایش آمادگی در برابر سوانح در شهر از اهمیت زیادی برخوردار است.

آمار تلفات انسانی ناشی از سوانح گویای این واقعیت است که تلفات انسانی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته بسیار بالاتر از کشورهای توسعه یافته است که این امر بر غیرطبیعی بودن آسیب‌پذیری این جوامع در برابر سوانح صحنه می‌گذارد و آن را از یک امر طبیعی و آسمانی جدا می‌سازد؛ به عبارتی دیگر، بسته به میزان توسعه نیافتگی جوامع، آسیب‌پذیری آنها در برابر سوانح بیشتر می‌شود.

در کشورهای در حال توسعه، روند فزاینده و رشد سریع و بی‌برنامه شهرها و تمرکز روزافزون جمعیت در محله‌های پرتراکم و نیز رشد بی‌رویه و بدون کنترل حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها و همچنین رعایت نکردن عوامل ایمنی و استانداردها در شهرسازی و معماری به عنوان پتانسیلی برای وارد آمدن خسارات زیاد هنگام وقوع سوانح می‌باشد.

بایستی به این واقعیت توجه نمود که رخداد برخی حوادث و اثرات آنها به دلیل ارتباط متقابل انسان و محیط است و هر چند انسان در رخداد سوانح نقش اصلی ندارد؛ ولی به عنوان عامل تسریع‌کننده و تشدیدکننده، نقش مهمی را ایفاء می‌کند. بنابراین بایستی با برنامه‌ریزی و رعایت اصول و استانداردها، سهم انسان را در رخداد یا اثرات حوادث کاهش داد.

امروزه ضرورت برنامه‌ریزی و تدوین خط‌مشی‌های مناسب برای کاهش آسیب‌پذیری جوامع شهری قبل و پس از وقوع فاجعه، به اثبات رسیده است و کاملاً واضح است که هر گونه برنامه‌ریزی، نیازمند شناخت صحیح زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، محیطی و ... در راستای اجرای برنامه در آن محیط شهری می‌باشد.

در جوامع شهری با به کارگیری اصول و ضوابط شهرسازی و

نابودی سپر سبز دفاعی تهران

مهرزاد شفیق پور: تیشه بر ریشه درختان و باغات سرسبز ملارد و شهریار حکم نابودی این سپر سبز دفاعی تهران و سایر شهرهای استان تهران را دارد.

روزگاری درختان سر به فلک کشیده ملارد و شهریار سپر دفاعی دشت پهناور تهران بودند اما امروزه جای خود را به ویلا باغ ها و کارگاههای تولیدی و ساختمان های بدقواره و غیر اصولی داده اند. با گذشت زمان و توسعه صنعت و شهرنشینی منطقه، و افزایش مهاجرین به منطقه و همچنین افزایش تورم و هزینه های روزانه برای تأمین معاش خانواده و همچنین هزینه های نگه داری باغات خیلی از معادلات باغداران این منطقه را به هم زده است.

وجود مشکلات فراوان بخش کشاورزی و باغ داری از جمله نبود کمبود آب، خشکسالی و سرمازدگی، نبود سبد حمایتی از سوی دولت، پایین بودن قیمت محصولات باغ داری، بالا رفتن بی رویه ماشین آلات باغ داری و ادوات باغبانی، کاهش تولیدات و اشباع بسیاری از مواد تولیدی، نبود اعتبارات و تسهیلات مناسب در این بخش، کمبود صادرات و تجارت، بالا بودن قیمت ها و عدم امکان خرید و تهیه کود شیمیایی و کاهش میزان و کیفیت تولید دغدغه ها و موانعی بود که باغ داران منطقه را به خود مشغول ساخت.

این امور باعث شد بسیاری از باغ داران منطقه، دیگر توان اداره باغات خود را نداشته باشند. به مرور زمان و مشاهده این موانع توسط نسل های بعدی، به یک باره باغداری و کشاورزی در منطقه کاهش چشمگیر پیدا کرد. با توجه به اینکه باغ و باغداری تنها سرمایه مردم منطقه بود استفاده از آنها برای ادامه زندگی تنها راه ممکن بود. تنها راهی که به قطع درختان، نابودی باغات، تغییر اراضی و نابودی محیط زیست انجامید.

عده ای از باغداران که راه استفاده از این سرمایه را نمی دانستند تصمیم به فروش باغات خود گرفتند. فروش باغات به کسانی که گاهاً افرادی سود جو و فرصت طلب بودند به طوری که باغات بزرگ را با قیمت پایین خریداری کردند و با قطعه بندی آنها، قطعات جدید را به قیمت بالاتر فروختند. دیوار کشی و ساخت ویلا، احداث باغ های خانوادگی، تغییر کاربری اراضی، خشکاندن درختان باغات با روش های مختلف عدم نظارت اصولی و منفعل عمل کردن مدیریت منطقه در برخورد با این تخلفات موضعی است که در منطقه به مراتب نسبت به سال های گذشته بیشتر شده، تیشه بر ریشه درختان باغات این منطقه بوده است.

تا گام های موثری برای ارتقا تاب آوری شهرها برداشته شود و در حال حاضر ۲۵۰۰ شهر عضو این نهضت هستند. آخرین اصول مورد توجه در نهضت شهرها تاب آوری ساماندهی و یکپارچگی مدیریت شهری و توجه حاکمیتی به تاب آوری شهرها، ارزیابی خطرات و شناسایی مخاطرات و استفاده از ظرفیت های مالی و ایجاد درآمدهای پایدار برای افزایش تاب آوری شهری است. اصلی ترین مبحث در تاب آوری شهرها بحث پیشگیری است. مدیریت تاب آوری شهری در هر شهر، تعریف خاص خود را می طلبد که بر پایه شناخت عمیق از ویژگی های ذاتی و طبیعی شهر بدست می آید. در این تعریف همچنین شناخت ویژگی های زیست در پهنه های مختلف شهری و محلات به صورت مجزا لازم است که براساس هر یک از گونه های بافت شهری سیاست های مشخص مدیریت شهری در زمینه تاب آوری تبیین و مشخص می شوند.

بنابراین، برای توسعه پایدار، نخست شهرها باید در جهت بقای سالم خود بکوشند. با همین دیدگاه است که باید شهرها و شهروندان را با شیوه های ارتقای آمادگی از جمله مانورهای مقابله با بحران در مقابل بلایای طبیعی و حوادث و ارائه آموزشهای کاربردی به خانواده ها به ویژه زنان و جوانان توانمند و استوار نمود تا بتوانند به حیات و رشدشان ادامه دهند.

از سوی دیگر، افزایش آگاهی مردم در مورد خطرات ناشی از بلایای طبیعی و ایجاد تغییرات در رفتار مردم ضرورت دارد. شهروندان باید اعتقاد پیدا کنند که با فراگیری آموزش های مناسب، می توانند خود را طوری سازماندهی نمایند که در مقابل بلایای طبیعی، پیش گیری و خودامدادی نمایند.

پاسخ به این پرسش که علت پایین بودن تاب آوری شهرهای ایران چیست و چگونه می توان این خلاء را پوشش داد، قطعاً نیازمند مطالعه و بررسی در مقیاس گسترده و با درک گوناگونی شهرها در ایران است، لکن آنچه در این زمینه به وضوح مشهود است نبود فهم و دانش درست در همه سطوح مواجهه با موضوع است.

حال با توجه به موارد ذکر شده این سوال مطرح می شود که آیا برنامه ریزی شهری در شهر ملارد در این راستا بوده است؟ آیا هماهنگی های بین بخشی با ادارات مختلف از جمله آموزش و پرورش و فرمانداری انجام شده است؟ آیا سیاستهای اصلاح بافت کالبدی شهر که این بافت کالبدی و ریزدانگی تهدیدی جدی در مواقع حوادث و البته خودش حادثه آفرین میباشد؛ مورد تصویب شورای شهر قرار گرفته است؟

متأسفانه علیرغم تصریح قانون در این موارد شاهد مصوباتی خلاف این رویه هستیم. از جمله تصویب اعطای انشعابات به واحدهای مسکونی که بدون جواز ساخته شده اند و هیچ نظارتی بر ساخت آنها نبوده است که متأسفانه این مصوبه که البته در فرمانداری رد شد نه تنها در راستای سیاست تاب آور شدن شهر در برابر حوادث نیست بلکه تهدیدی برای آن و در راستای آسیب پذیر کردن شهر در این زمینه است.

امید است با اجرای سیاستهای تاب آوری و الگو گیری از شهرهای موفق در این زمینه شاهد پیشگیری از حوادث و کمتر کردن خسارات جانی و مالی ناشی از آن باشیم. (پایان)

سر آسیاب ملارد

سرابی که نه آسیابی در آن می چرخد نه چرخ زندگی مردمش

داوود محمدی فام
(کارشناس ارشد مدیریت توسعه و پیشرفت شهری)



اخیر بوده است. این سکونتگاه به دلیل بافت ریزدانه، از تراکم جمعیتی بالایی برخوردار است و میزان بافت پر آن در مقایسه با متوسط شهرهای دیگر حدود دو تا سه برابر است. حجم بالای توده نسبت به فضا و غلبه بافت پر و ساخته شده این سکونتگاه نسبت به فضای باز و عمومی در آن بسیار مشهود است. بافت در هم تنیده و ساختار فضایی

این سکونتگاه به شدت خالی از فضاهای باز و عمومی همچون فضای سبز (پارک های شهری، پارک های جنگلی و...) و معابر و دسترسی ها مناسب (اعم از بزرگراه ها، شریانی ها، کوچه های اصلی و فرعی) می باشد.

سرآسیاب با رشدی سریعتر از رشد شهرنشینی به تعبیری رسمی مواجه بوده است. عدم برنامه ریزی و نظارت در ساخت و سازهای غیرقانونی به شکلی خودرو و فاقد مجوز ساختمان با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی از ویژگی های بارز این سکونتگاه است.

فقر و بیکاری در محیط زندگی این سکونتگاه پذیرای ناهنجاری و برانگیزاننده آسیب های اجتماعی در درون این سکونتگاه است. لیکن محرومیت و تبعیض در قیاس با دیگر نواحی شهری، فقر و فساد فزاینده اجتماعی، آن را به کانونی بحرانی و ضد توسعه پایدار انسانی تبدیل نموده است.

مجاورت این سکونتگاه با کلان شهر تهران موجب گسیل مهاجرین به آن شده و از آن به عنوان مکان خوابگاهی استفاده کرده اند. به همین سبب این سکونتگاه در سال های اخیر عمدتاً دارای عملکرد خوابگاهی جهت تأمین نیروی کار صنایع شهر تهران و محورهای فعالیت اقتصادی اطراف آن، می باشد. آن چه امروزه در سرآسیاب ایجاد مسئله کرده و شاهد آن هستیم؛

سرآسیاب تا ۵۰ سال قبل، منطقه ای خالی از سکنه بوده و سوای یک آسیاب و دشتی نسبتاً خشک و بیابانی چیز دیگری در آن نبود. نام آن برگرفته از آسیابی است که طبق روایات در سال ۱۳۲۲ شمسی توسط شخصی به نام کهد ساخته شد. این آسیاب تا سال ۱۳۴۳ فعال بوده و سپس از کار می افتد. این آسیاب آبی با آب قناتی که پس از دو کیلومتر در محل آسیاب آفتابی می شد به گردش در می آمد و گفته می شود که این قنات متجاوز از ۴۰ سنگ آب داشته است. کارآیی این آسیاب آنچنان بوده که نام مکان را که معلوم نیست چه بوده در خود بلعیده و در گذر زمان نام آن را به سرآسیاب تغییر داده است. اگر امروزه بخواهیم مکان این آسیاب را مشخص کنیم، باید بگوییم این آسیاب در سرآسیاب امروزی شهرستان ملارد در ابتدای خیابان امام خمینی قرار داشته است.

سرآسیاب ملارد روستا شهری در ۴۵ کیلومتری جنوب غرب شهر تهران و ۵ کیلومتری شمال شهر ملارد از توابع شهرستان ملارد است. بخش عظیمی از جمعیت شهرستان ملارد متعلق به این سکونتگاه متراکم و مملو از جمعیت است. موج مهاجرین بیکار از سایر شهرستان های کشور به سمت شهر تهران از جمله عوامل اصلی رشد بی رویه و نامتوازن این سکونتگاه در طی چند سال





رشد بی رویه جمعیت و فرسوده سازیست که بدون برنامه ریزی و لحاظ شدن زیرساخت های مناسب شکل یافته است و همچنان در حال گسترش می باشد. توسعه این شهرک که بیشتر ریشه در بعد مکانی تصمیم گیران و مدیران جامعه دارد؛ امروزه شهرستان ملارد و توابع آن را با چالش عظیمی مواجه ساخته است. بی توجهی مدیران و برنامه ریزان به بعد فنی، کالبدی، زیرساختی و ملزومات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مسائل عدیده ای در درون این سکونتگاه به وجود آورده است.

فقر و بیکاری در محیط زندگی این سکونتگاه پذیرای ناپهنجاری و برانگیزاننده آسیب های اجتماعی در درون این سکونتگاه است. لیکن محرومیت و تبعیض در قیاس با دیگر نواحی شهری، فقر و فساد فزاینده اجتماعی، آن را به کانونی بحرانی و ضد توسعه پایدار انسانی تبدیل نموده است.

هر چند گسترش این سکونتگاه نوعی راه حل برای اسکان افراد کم درآمد و مهاجر محسوب می شود که مدیریت و برنامه ریزان شهری آنها را از معادلات رسمی خود خارج کرده اند، اما به دلایل متعددی چون رشد خودرو، بی برنامه و وجود بسترهای مناسب آسیب های محیطی، کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و ... مسائل حادی را در این منطقه موجب شده که در صورت عدم توجه و رهاسازی آنها، بدل به مشکلات پیچیده تری خواهند شد.

گسترش ناهمگون شهری در این منطقه و از طرفی ناکارآمدی نظام مدیریت، برنامه ریزی و ضعف برنامه های توسعه بومی و آمایش سرزمین باعث شده است که سرآسیاب و حوزه پیرامونی آن با

معضلات فراوانی مواجه شود.

بنابراین روند افزایش جمعیت و توسعه ناپایدار در سرآسیاب باعث شده که زیرساخت های شهری با مدیریتی ضعیف همراه با کمبود منابع مادی و انسانی، توانای پاسخ گویی این حجم عظیم از مشکلات و نیازهای عدیده آن نباشد.

امروزه سرآسیاب با مسائل مختلفی چون تصرف، تملک و تصاحب غیرقانونی زمین، رشد سریع و شتابزده مسکن بی دوام، تراکم بالای جمعیت، مهاجرپذیری، شرایط نامناسب بهداشتی و زیرساختی، کمبود سرانه های آموزشی، فرهنگی و درمانی، کمبود سرانه فضای سبز و امکانات تفریحی، درصد بالای جمعیت جوان، بیکاری و اشتغال کاذب، ناامنی و کجروی های اجتماعی و سرانجام با بلوغ نسبی و رشد و تکثیر در حوزه پیرامونی خود خارج از چهارچوب خدمات شهری مواجه شود و از این مسائل رنج ببرد.

لیکن رنج مردمان این منطقه به خاطر کمبود منابع طبیعی یا نیروی انسانی نیست بلکه رنج آنان ناشی از سوء مدیریت، کمبود مدیران متخصص و با تجربه و عدم مشارکت ساکنین در عرصه مدیریت این شهر است. لذا این سکونتگاه برای رهایی خود از این رنج ها در هر مرحله از رشد، باید راهبردها و راهکارهای مدیریتی خاص خود را طلب کند.

بی تفاوتی مدنی شهروندان این سکونتگاه نسبت به محل زندگی و عدم مطالبه و پیگیری مشکلات این شهر از طرف ساکنین و فقر هسته های مدیریت محلی، گروههای ذی نفوذ و نهادهای مدنی موجب کاهش مشارکت ساکنین در حل مشکلات عمومی و توسعه این سکونتگاه گردیده است.

گروههای ذی نفوذ و نهادهای مدنی همچون گروههای مرجع همواره مدیریت غیررسمی خود را بر جامعه اعمال می کنند. لازمه حضور مردم در کارهای دسته جمعی و مشارکت پذیری در امور مربوط به خود وابسته به وجود گروههای اجتماعی در این اجتماعات است که متأسفانه سرآسیاب از وجود این گروهها محروم است. در

حال بجزء یکی دو دفتر اجرایی مربوط به نهادهای غیردولتی شهر تهران و هیئت امنای مساجد و تکایا که عمدتاً در ایام محرم و رمضان فعال هستند؛ حضور گروهها یا نهادهای دیگری در سطح این منطقه بسیار کم رنگ است.

فراهم نبودن بسترها و کمبود منابع مالی و انسانی، گسسته بودن ارتباطات ساکنین منطقه به علل مختلف چون مهاجرپذیری و عدم تعلق خاطر ساکنین به منطقه، اشتغال دائمی ساکنین به معیشت و زندگی روزمره و غفلت آنان از امور عمومی و مسائل اساسی زندگی، ضعف فرهنگ شهرنشینی و بی تفاوتی مدنی، شکل گیری روابط اجتماعی بر اساس روابط قومی و قبیله ای و عدم اراده دولت و سازمانهای متولی جهت گسترش این نهادها از جمله عوامل اساسی عدم شکل گیری نهادهای مدنی و مشارکت اجتماعی ساکنین در این گونه اجتماعات می باشد.

بی تفاوتی مدنی شهروندان این سکونتگاه نسبت به محل زندگی و عدم مطالبه و پیگیری مشکلات این شهر از طرف ساکنین و فقر هسته های مدیریت محلی، گروههای ذی نفوذ و نهادهای مدنی موجب کاهش مشارکت ساکنین در حل مشکلات عمومی و توسعه این سکونتگاه گردیده است.

با توجه به ضرورت مشارکت ساکنین در امورات مربوط به محلات، تشکیل نهادهای مردمی به عنوان اولین و مهمترین گام جهت بسترسازی حضور مردم و متشکل کردن آنها موثر است. زیرا وجود این نهادها و گروههای محلی، موجب دخالت ساکنین در امورمربوط به خود و نهادینه شدن ارتباط ساکنین با مدیریت شهری شده و از نیازهای اولویت دار ساکنین این منطقه محسوب می گردد.

عدم تجانس قومی و فرهنگی در سرآسیاب به برخی از مشکلات فرهنگی و اجتماعی آن دامن زده است و نظام اجتماعی آن را متزلزل ساخته است. رد پای همه اقوام ایرانی در سرآسیاب به چشم

می خورد اما اکثریت ساکنین آن به ترتیب با اقوام ترک زبان، کرد زبان و لر زبان است. به طور تقریبی ۵ درصد ساکنین سرآسیاب خصوصاً نیمه شرقی آن را مهاجرین افغان تشکیل می دهند.

عدم تجانس قومی بر دل بستگی افراد به محل زندگی شان، تقویت همبستگی اجتماعی و مشارکت افراد برای رفع مشکلات آن تأثیر منفی گذاشته است. زیرا هر یک از این اقوام دل بستگی ها خاصگاه اولیه خود را دارند و اختلافات قومی - نژادی در سطح این منطقه دارای نمودهای بارزی است. این موضوعات باعث بی تفاوتی ساکنین و عدم تعلق خاطرشان به این منطقه گردیده است.

باید پذیرفت فلسفه وجودی اجتماعاتی چون سرآسیاب کمبود ظرفیت های مادی و انسانی در درون آنها و ناتوانی اعضاء برای ورود به عرصه های اقتصادی و اجتماعی جامعه است. عدم مهارت و نبود سرمایه کافی فرصت های شغلی و درآمدی را از ساکنین این اجتماع سلب نموده و تنها سرمایه موجود آنان نیروی کار است که آن هم به مرور زمان به علت بیکاری و عدم دسترسی مناسب به محل کار دچار اضمحلال شده است. به همین دلایل امروزه این اجتماع از کم ترین توان و ظرفیت اجتماعی - اقتصادی برخوردار است و فقر و بیکاری آن را به زانو در آورده است.

یکی از مهمترین ویژگی های اقتصادی - اجتماعی سکونتگاههایی چون سرآسیاب فقر معیشتی است. بیکاری، کمبود درآمد و گرانی از جمله عواملی اند که معیشت ساکنین این منطقه را در وضعیت نامناسبی قرار داده است. امروز فقر معیشتی پیکره سرآسیاب را به شدت به لرزه در آورده و بخشی از آن فرو ریخته و هر روز بخش هایی از این پیکره در حال فرو ریختن است.

مطابق یافته ها میدانی مهم ترین دلیل فقر از دیدگاه ساکنین منطقه بیکاری و کمبود درآمد است. به طوری که اکثر مصاحبه شوندگان اظهار داشتند که وضع زندگی کنونی آنان نسبت به گذشته بدتر شده و یا تغییری نکرده است. ناامیدی و عدم احساس رضایت و خوشبختی ساکنین منطقه نسبت به زندگی؛ زنگ خطر برای این جامعه است. زیرا امید و احساس خوشبختی نیروی محرکه جامعه است. میزان امیدواری به آینده محصول شرایط اجتماعی این جامعه و نوع نگاه ساکنین آن به زندگی است. این امیدواری قوه محرکه برای برنامه ریزی آتی زندگی آنها محسوب می شود. این مولفه به خودی خود می تواند توان جامعه را گرفته و یا افزایش دهد.



وقوع کجروی های اجتماعی کرده اند.

ناامیدی و عدم احساس رضایت و خوشبختی ساکنین منطقه نسبت به زندگی؛ زنگ خطر برای این جامعه است. زیرا امید و احساس خوشبختی نیروی محرکه جامعه است.
میزان امیدواری به آینده محصول شرایط اجتماعی این جامعه و نوع نگاه ساکنین آن به زندگی است.
این امیدواری قوه محرکه برای برنامه ریزی آتی زندگی آنها محسوب می شود.
این مولفه به خودی خود می تواند توان جامعه را گرفته و یا افزایش دهد.

طبق مشاهدات میدانی و گفتگو با ساکنین منطقه، فقر، بیکاری، مهاجرپذیری، مسائلی مانند ناامنی و رواج آسیب های اجتماعی (اعتیاد، فروش مواد مخدر، سرقت، کارتون خوابی و...) فضاهای بی دفاع و جرم خیز، درهم تنیدگی بافت، ناپایداری و کیفیت پایین مسکن، نفوذناپذیری، ناهمواری معابر و خاک بودن بخش قابل توجهی از معابر، ضعف روشنایی معابر، ضعف خدمات زیرساختی همچون آب آشامیدنی، نبود سیستم فاضلاب، آبگرفتگی معابر، غیربهداشتی بودن فضاهای عمومی، کمبود امکانات بهداشتی - درمانی، کیفیت پایین حمل و نقل عمومی، کمبود خدمات آموزشی، ورزشی، تفریحی، فرهنگی، اداری، انتظامی، تجاری، فضای سبز و ... مهمترین مشکلات ساکنین سرآسیاب می باشد. به هر حال امروزه سرآسیاب بیش از هر دورانی نیازمند همدلی، همراهی، همیاری مردمانش با هم است. همیاری و مشارکت مدنی مردم و احساس مسئولیت مدیران دستگاههای دولتی - عمومی نسبت به مردم می تواند راهگشای مسائل و مشکلات سرآسیاب برای رسیدن به توسعه پایدار و حذف نامالیقاتی باشد که روح و جسم آن را آزار می دهد. لیکن همگان باید در برابر این امر ملی و منطقه ای احساس وظیفه نماییم و مسئولیت اجتماعی خود را در برابر آن به فراموشی نسپاریم.

آقای افشاری خیاط ساکن خیابان محدثی در نیمه شرقی فقر، بیکاری و اعتیاد را مهم ترین مشکل مردم سرآسیاب می داند. او می گوید: «۸۰ درصد مردان سرآسیاب بیکارند و اکثراً به اعتیاد رو آورده اند. بیشتر آنان کارگر ساده ساختمان هستند و الان که ساخت و ساز هم تعطیل شده، زندگی اکثر آنان با مشکل مواجه شده و در حال حاضر بیشتر زنان آنان از طریق خیاطی و کار در منزل بخشی از معاش زندگیشان را تأمین می کنند. افرادی هم که مثل من کسب و کاری دارند با سختی گذران معاش می کنند. کل درآمد مغازه من ۸۰۰ هزار تومان در ماه است که ۲۰۰ هزار تومان آن بابت اجاره بها مغازه هزینه می شود. آیا با چند سرعانه و ۶۰۰ هزار تومان در طول یک ماه می توان زندگی کرد.»

امروزه فقر و بیکاری بزرگترین دشمنان سرآسیاب اند و لشگر بیکاران و پیاده نظام آن از جمله معتادین، سارقین، خانه به دوشان و خوش نشینان به جدال با آن برخاسته اند.

آقای خزایی جوان تازه رها شده از بند اعتیاد، متأهل و صاحب سه فرزند ساکن خیابان مطهری که سقف خانه اش آسمان است و چند تکه موکت کهنه؛ از اینکه معتادین و کارتون خواب ها خواب از چشمان او و زن و بچه اش ربوده اند؛ آزرده خاصر است و از تجمع این افراد در اطراف خانه اش شکایت دارد. از اینکه هیچ نهادی او را حمایت نمی کند که وام مسکن بگیرد تا سقف خانه اش را مأمنی برای زن و بچه اش کند گله مند است.

او می گوید: «بهبستی به من وعده و وعید داده اما هیچ خبری نیست. نمی دانم به کی پناه ببرم. من چند وقت است پاک شدم اما جامعه به افرادی مثل من اعتماد ندارد و این امر باعث می شود افرادی مثل من دوباره به اعتیاد رو بیاورند، همان طوری که من چندین بار دچار این بلایا شده ام.»

فضاها و اماکن بی دفاع و رها شده، نقاط کور و ناامن و عدم پوشش امنیتی آنها، محیط های نامناسب و جدا شده از بدنه اصلی شهر، فضاهای باز اطراف شهر، فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی، بی خانمانی و کارتون خوابی، شیوع اعتیاد و مصرف مواد مخدر در ملاء عام، کمبود امکانات و خدمات رفاهی - ورزشی، نفوذناپذیری و عدم نور کافی معابر در شب و ... از جمله عواملی اند که نقاط جرم خیز در سرآسیاب را تشدید و محیط آن را مستعد





محمد بها
(کارشناس ارشد و مدرس آموزش خانواده)

نقش مدیریت شهری در کاهش آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد)

سایر دستگاه‌های اجرایی در راستای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم در محیط‌های شهری گام‌های اساسی بردارند.

در این خصوص در طول سال‌های اخیر، حرکت‌های خوبی آغاز شده است، اما با توجه به عمق و گستره معضلات اجتماعی باید این روند، جدی و گسترده دنبال شود تا در نظام مقدس جمهوری اسلامی نظاره‌گر تحقق جامعه‌ای نمونه و الگو باشیم که معضلات و آسیب‌های اجتماعی به ویژه در رابطه با خانواده‌ها در آن وجود نداشته باشد.

ماهیت آسیب‌های اجتماعی به گونه‌ای است که در زمینه کاهش و مقابله با آنها یک سازمان به تنهایی نمی‌تواند اقدامات موفقیت‌آمیزی انجام دهد. از این رو همکاری و تعامل میان سازمان‌ها و نهادهای مختلف برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در شهرها بایسته است. ولی از طرفی متولی مبارزه با اعتیاد، ستاد مبارزه با مواد مخدر است که از حدود ۲۰ سازمان و وزارتخانه تشکیل شده است که در بین این سازمان‌ها، متاسفانه شهرداری حضور ندارد از این منظر، شهرداری از سازمان‌هایی است که با استفاده از ظرفیت‌های خود می‌تواند گام‌های موثری در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی بردارد.

مجموعه مدیریت شهری به عنوان یک نهاد عمومی غیر دولتی و خدمات‌رسان که مورد وثوق شهروندان است، می‌تواند با اقدامات فرهنگی و تربیتی، توسعه ورزش و ایجاد فرهنگ شادی و نشاط، توسعه فعالیت‌های عمرانی هدفمند، ایجاد و تقویت زیرساخت‌های شهری و اجتماعی و... جلوی بروز برخی از آسیب‌های اجتماعی را بگیرد و از این نظر به رشد و تعالی مادی و معنوی جامعه کمک کند.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان امور اجتماعی، شهرداری‌ها با در اختیار داشتن فضاهای عمومی مثل بوستان‌ها، ورزشگاه‌ها، فرهنگسراها و نظایر آن، سازمان‌های مهمی در مقابله با آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌روند. چنین نهادی اما باید با تعامل و همیاری سازنده دیگر دستگاه‌ها حمایت و پشتیبانی شود تا با مشارکت شهروندان به اهداف اجتماعی خود برسد.

در ارزیابی از اقدامات پیشگیرانه، براساس نتایج حاصل از مطالعات علمی یا تجربیات اینگونه نمایان می‌شود که متأسفانه تناسب مطلوبی بین هزینه‌های صرف شده برای اعتیاد و راهبردهای پیشگیری از آن وجود ندارد. کسانی که سابقه کار در حوزه فعالیت‌های پیشگیری و درمان معتادان دارند معتقدند که والدین، دوستان فرد، معلمان و اساتید، نهادهای مردمی، فیلم‌ها و برنامه‌های صداوسیما، هنرپیشه‌های معروف و محبوب جوانان و معتادین ترک کرده‌ای که در زمینه مبارزه با اعتیاد همکاری می‌کنند، به ترتیب بیشترین

تأثیر و تأثر امور جامعه بر هم، آن چنان زیاد و به سرعت است که گاه هوش و حواس را از آدمی می‌برد و مدیران و متولیان یک جامعه بهتر است به بهانه توجه به ابعاد سیاسی و اقتصادی، از رویکردها و بایسته‌های فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی خود را معاف ندانند. این سخن از آن رو قابل توجه است که بدانیم ساخت و ماهیت جامعه انسانی ابعاد گوناگونی دارد و بی‌توجهی یا کم‌توجهی به یک یا چند بُعد می‌تواند حتی ابعاد مورد عنایت قرار گرفته دیگر را تحت الشعاع قرار دهد. این روند به ویژه در مدیریت کلان شهری، مشهودتر و ملموس‌تر، مجال بروز پیدا می‌کند. تا آن جا که گشته‌اند موفقیت در اداره شهر و دستیابی به اهداف مدنظر آن با در نظر گرفتن همه جوانب صورت خواهد گرفت.

اعتیاد به مواد مخدر به عنوان جدیترین مسأله اجتماعی ایران، وجوه مختلف جامعه‌شناسی، روانشناسی، حقوقی، سیاسی و... دارد. به اعتقاد تحلیل‌گران اجتماعی، اعتیاد به مواد مخدر، به عنوان یکی از مسائل پیچیده اجتماعی در عصر حاضر است که زمینه ساز بروز بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی می‌باشد. به عبارت دیگر رابطه اعتیاد با مسائل اجتماعی ارتباطی دو جانبه است؛ از یک سو اعتیاد، جامعه را به رکود و انحطاط می‌کشاند و از سوی دیگر پدیده‌ای است که ریشه در مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد.

از امور اساسی که باید در مدیریت کلان شهری مورد توجه جدی دست‌اندرکاران قرار گیرد، کاهش آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در نقاط مختلف شهرهاست. با عنایت به این که آسیب‌های اجتماعی بیشتر در درون و حاشیه شهرها رخ می‌دهد، نمی‌توان از نقش مدیریت شهری در کاهش و رفع آن‌ها غافل بود. شهرهای امروزی به ویژه کلانشهرها، بیشتر درگیر آسیب‌هایی هستند که سلامت جامعه شهری را به خطر می‌اندازد و این خطر و آسیب به صورت به هم پیوسته به جان برخی از خانواده‌ها می‌افتد که به مشکلات حادی چون طلاق، بدبینی و سوطن، بی‌حرمتی و جدایی عاطفی دچار شده‌اند.

شهرها به عنوان بستر زیست اجتماعی، به موازات رشد شتابان خود و به ویژه افزایش جمعیت، شاهد گسترش معضلاتی چون فقر، بیکاری، حاشیه نشینی و دیگر معضلات فرهنگی و اجتماعی هستند. سوء مصرف مواد مخدر که به آن اعتیاد می‌گویند پدیده‌ای تقریباً شهری است.

در روستاها به دلیل ارتباطات گسترده آدم‌ها، افراد هم‌هوای همدیگر را بیشتر دارند و هم از شرم اهالی کمتر به این کار دست می‌زنند، در این محیط کسانی که تصمیم خود را برای ادامه سوء مصرف گرفته‌اند و به همین منظور حتماً به شهر مهاجرت می‌کنند تا در خیل آسیب‌هایی که در حومه‌های شهرهای بزرگ وجود دارد به مصرف و قاچاق مواد بپردازند. آن وقت مدیریت‌های کلانشهری و کشوری است که باید برای این پدیده راه حل پیدا کنند لازم است شهرداری‌ها به عنوان متولی اصلی مدیریت شهری با ایجاد فضاهای عمومی مطلوب و مناسب به منظور ایجاد تعاملات اجتماعی میان شهروندان، با اتخاذ تدابیر و راهکارهای اجرایی مناسب و تعامل با



به جوانان، آموزش در سطوح دبستان و دبیرستان و دانشگاه‌ها، برنامه‌ریزی برای پیشگیری در محیط‌های کار، آموزش و خانواده، توجه به گروه‌های پایه جمعیتی در امر پیشگیری، سالم‌سازی محلات و محیط‌های آموزشی، افزایش دانش و اطلاعات مردم در زمینه سوء مصرف موادمخدر، حمایت از گروه‌های مردم نهاد (NA) در زمینه کنترل جامعه معتادین، برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح زندگی آحاد جامعه، برگزاری سمینارها و همایش‌های

تأثیر مثبت را در پرهیز دادن افراد از مصرف مواد دارند.

مجموعه مدیریت شهری
به عنوان یک نهاد عمومی غیر دولتی و خدمات‌رسان
که مورد وثوق شهروندان است،
می‌تواند با اقدامات فرهنگی و تربیتی، توسعه ورزش و
ایجاد فرهنگ شادی و نشاط،
توسعه فعالیت‌های عمرانی هدفمند، ایجاد و تقویت
زیرساخت‌های شهری و اجتماعی و...
جلوی بروز برخی از آسیب‌های اجتماعی
را بگیرد و از این نظر به رشد و تعالی
مادی و معنوی جامعه کمک کند.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان
امور اجتماعی، شهرداری‌ها با در اختیار داشتن
فضاهای عمومی مثل بوستان‌ها،
ورزشگاه‌ها، فرهنگسراها و نظایر آن،
سازمان‌های مهمی در مقابله
با آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌روند.
چنین نهادی اما باید با تعامل و همیاری سازنده دیگر
دستگاه‌ها حمایت و پشتیبانی شود
تا با مشارکت شهروندان
به اهداف اجتماعی خود برسد.

کارشناسانی که عقیده به حضور شهرداری در ستاد مبارزه با مواد مخدر دارند، معتقدند که مدیریت توانمند شهرداری، دسترسی مردم به مجموعه‌های شهرداری به واسطه وجود شوراها، سلامت یاران و رابطین سلامت، داشتن پایگاه‌های مردمی در دل جامعه، امکانات کالبدی و مالی مورد نیاز طرح پیشگیری، در اختیار داشتن منابع مالی مورد نیاز، تجربه شهرداری‌ها در سایر کشورهای جهان، دارا بودن امکان همکاری با سایر دستگاه‌ها، نقش مؤثری که شهرداری در کنترل اجتماعی می‌تواند بر عهده داشته باشد، فراگیر بودن حوزه فعالیت‌های شهرداری و اینکه شهرداری داعیه سلامت اجتماعی و شهر سالم را دارد می‌تواند انگیزه خوبی برای عضویت شهرداری باشد.

علمی در زمینه پیشگیری و درمان اعتیاد، بهره‌گیری از اجتماعات نظیر انجمن‌های محله‌ای، انجمن اولیاء و مربیان و خانواده‌ها، ایجاد دروس و واحدهای درسی اعتیادشناسی در نظام آموزشی، بهره‌گیری مؤثرتر و کارآمدتر از رسانه ملی برای اطلاع‌رسانی، توجه خاص به افراد در معرض خطر از جمله افراد خانواده‌های معتاد و ساکنان برخی از محلات آسیب‌پذیر بایستی مورد توجه قرار گیرد و این کار می‌تواند توسط معاونت فرهنگی شهرداری و با همکاری سازمانهای مردم نهاد و اداراتی مانند آموزش و پرورش و ... انجام شود.

این کارشناسان پیشنهادهایی در حوزه پیشگیری از اعتیاد در خصوص اهداف کلان پیشگیری ارائه کردند. آنها معتقدند که مصون‌سازی آحاد جامعه، مصون‌سازی جوانان، ایجاد محیط سالم و امن (جامعه سالم)، کاهش عوامل خطر ساز و افزایش عوامل محافظت‌کننده از اعتیاد، برنامه‌ریزی برای آموزش مهارت‌های زندگی و توانمندسازی اقشار جامعه، ایجاد جامعه سالم و با نشاط، ارتقای سلامت روانی آحاد جامعه و سیاستگذاری در زمینه کاهش مصرف دخانیات باید در رأس تصمیم‌گیری‌های کلان در حوزه پیشگیری باشد. همچنین در سطح خرد و فرعی، آموزش مهارت‌های زندگی

بدیهی است هرچه در کار فرهنگی هزینه شایسته تری انجام گیرد در ازای آن تا صدها برابر از هزینه کردن برای مبارزه با معتادین و عوامل مرتبط با آن از جمله خانواده‌های طلاق و نابسامانیهای اجتماعی کاسته می‌شود.

تأملی بر توسعه گردشگری شهری

با توجه به ظرفیت های شهرستان ملارد در این زمینه



داوود محمدی فام

(کارشناس ارشد مدیریت توسعه و پیشرفت شهری)

امروزه گردشگری را به عنوان یکی از مهمترین صنایع توسعه پایدار در هر جامعه ای باید دانست، که از تحریک بالایی در تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، شهری و محیطی برخوردار است، تمرکز بر جنبه های مختلف صنعت گردشگری، همراه با برنامه ریزی های مدیریت محلی و ملی هر جامعه ای، نقش بسیار با اهمیتی در فرایندهای بین المللی و ملی هر جامعه ای می تواند ایفاء کند. گردشگری شهری، یکی از مهمترین و پیچیده ترین فعالیت های فضایی و مکانی انسان در جامعه شهری است که نقش مهمی در توسعه پایدار اقتصادی شهرها دارد که توسعه پایدار صنعت گردشگری را نیز به همراه دارد؛ اما دستیابی به اهداف وسیع راه اندازی آن، نیازمند زیرساخت های کلان شهری و فرهنگی است که سرمایه ی زیادی را می طلبد. بازدهی این سرمایه، به فنون و شگردهای خاصی نیازمند است که برنامه ریزان گردشگری شهری را به یاری می طلبد.

گردشگری شهری یا تفریح شهری، بخشی از گذران اوقات فراغت شهروندان عصر پسا مدرنیته است. این نوع صنعت شهری، حد فاصل گذاران اوقات فراغت در خانه و خارج از شهر و آبادی می باشد. گردشگری شهری به آن بخشی از گذران اوقات فراغت گفته می شود، که در محدوده سکونت شهری شهروندان و فضاهای باز درون شهری از جمله پارک ها، شهربازی ها، مراکز خرید، مراکز فرهنگی و تاریخی و... شکل می گیرد.

بر اساس چنین ویژگی، امروزه گسترش فضاهای باز جمعی و ایجاد مراکز فراغتی و تفریحی مدرن یکی از اهداف مهم برنامه ریزان مدیریت کلانشهرهای جامعه ما می باشد. گسترش این نوع جهانگردی مدرن در سطح توسعه محلی پایدار و در نهایت توسعه ملی علاوه بر تأمین اهداف اقتصادی، زیست محیطی، تعادل بخشی در گذران اوقات فراغت، تأمین سلامت جسمی و روانی که با خود به همراه می آورد، نقش بارزی در جذب توریسم خارجی و داخلی گردشگری « برای یک سیستم مدیریت شهری با برنامه ریزی پیچیده و چند وجهی را به همراه دارد

» بر این اساس این صنعت در حیطه وظیفه برنامه ریزی مدیریت شهری واقع می شود. علاوه بر این گردشگری شهری با ارزش های محیطی، میراث فرهنگی و تاریخی هر شهر ارتباطی تنگاتنگ دارد، که از این منظر توجه به استقلال به این امر در طرح های توسعه و عمران شهری ضروری به نظر می رسد. باید توجه کرد که گردشگری شهری و کیفیت و کمیت آن یکی از شاخص های مهم توسعه و عمران شهری به شمار می آید، اما در کل برای تحقق گردشگری شهری در شهرها می بایست گردشگاه و مجموعه های گردشگاهی درون شهری و برون شهری و حومه ای به تناسب بوجود آید و تسهیلات گردشگری نیز در یک شهر به تناسب طیف گردشگران فراهم شود». (اکبرزاده ابراهیمی، ۱۳۸۶)

امروزه گردشگری شهری نقش مهمی از نظر فرهنگی در جریان های

شهری و انطباق این شهرها با جهانی شدن و به روز شدن شهرها دارد. شناخت عناصر بنیادی گردشگری می تواند ما را در شناخت گردشگری شهری کمک کند که عبارتند از «۱- عناصر اولیه گردشگری شامل (اول: فعالیت هایی مانند تئاتر، سینما، برپایی نمایشگاه ها و... دوم: مکان های قابل بازدید مانند: بوستان ها مکان های تاریخی، گنجینه ها موزه ها، آبشار و غیره ۲- عناصر ثانویه شامل مهمان سراها، بازارها و فروشگاه ها و غذا سراها است. ۳- عوامل دیگری چون اطلاعات، خدمات موجود در بوستان ها، نقشه های راهنما و اداره اطلاعات برای راهنمایی گردشگران از دیگر موارد عناصر بنیادی گردشگری است» (علی موحد ۱۳۸۶)

این عوامل می تواند شهر را به قطبی برجسته برای گردشگری شهری تبدیل کند که علاوه بر غنی سازی اوقات فراغت مردم در تأمین درآمدهای شهری و رونق اقتصادی نیز مؤثر خواهد بود.

یکی از عوامل مهم در جذب گردشگران به شهرها، جشنواره ها و اتفاقاتی است که به طور خاص، در این شهرها رخ داده و برگزار میشود. این اتفاقات می تواند تنها برای یک بار رخ دهد و یا حالت سلسله ای داشته و چندین بار اتفاق بیفتند. شرکت در این جشنواره ها و وقایع، بازدید از جاذبه های گردشگری و استفاده از خدمات این صنعت را به همراه خواهد داشت که نقش رستوران ها و بازارهای خریدی که در نزدیکی محل اقامت گردشگران و یا محل برگزاری جشنواره ها و وقایع، احداث شده اند، از سایر جاذبه ها و خدمات، برجسته تر است.

جاذبه های تفریحی و سرگرم کننده، عامل دیگری است که گردشگران تفریحی بسیاری را جذب شهرهای بزرگ می کند. مردمان امروزی، سلاقی متفاوتی با نسل های قبل دارند که ناشی از پیشرفت علم و تکنولوژی و قرار گرفتن در زندگی ماشینی و دیجیتال است. این سلاقی با توجه به تفاوتشان با سایر نسل ها، انگیزاننده ها و نیازهای متفاوتی را بوجود می آورند که شیوه پاسخگویی به این نیازها نیز متفاوت است؛ امروزه، شهرهای بزرگ، با فراهم آوردن امکانات تفریحی وسیع و مدرن، محل جذب بسیاری از این سلاقی شده اند. از جمله ی این تفریحات می توان به شهربازی های بزرگ و پیشرفته، فواره های بزرگ آب و پارک های آبی، سینماهای چندبعدی با امکانات خاص، رستوران های مبتکرانه نظیر رستوران های زیرآبی یا فضایی، موزه های موضوعی با امکانات خاص و... اشاره کرد.

در کنار مؤلفه های فوق، موقعیت منطقه ای شهرها نیز در رونق و شکوفایی گردشگری شهری بسیار حائز اهمیت است.

به عنوان نمونه قرار گرفتن شهرستان ملارد در غرب استان تهران به عنوان شاهراهی در بین شهرها و کلان شهرهایی همچون تهران، البرز، شهریار، قدس، صفادشت، رباط کریم، بهارستان، جغرافیایی خاص به آن بخشیده که با برنامه ریزی مدون و اصولی می تواند به قطبی برای گردشگری استان تهران و حتی کشور تبدیل شود.

کم توجهی ها و شاید تا حدودی روزمرگی های اداری و شهری



چارچوبی کارشناسانه و دقیق تا چندین سال آینده پیش‌بینی شده و در صورت ابلاغ و اجرای آن توفیقات بسیار برجسته‌ای در این حوزه حاصل شود.

به‌عنوان مثال در حال حاضر سفره‌خانه‌هایی در این شهرستان مشاهده می‌شود که در کوچه و پس‌کوچه‌های فرعی که دسترسی به آن دشوار است و یا در باغاتی که بعضاً خلاف مقررات تغییر کاربری گرفته‌اند، راه‌اندازی شده است و البته نظارتی هم بر نحوه فعالیت آنها نیست در صورتی که با در نظر گرفتن طرح جامع گردشگری به نحو مؤثری می‌توان ظرفیت‌ها، جانمایی‌ها، نیازها و الزامات مورد نیاز برای رونق و توسعه گردشگری را لحاظ کرد و از اجرای پروژه‌های سلیقه‌ای و مقطعی که گاهی با نارسایی‌هایی نیز مواجه است، جلوگیری می‌شود.

با توجه به مباحث مطرح شده گردشگری شهری در شهر ملارد با توجه به پتانسیل‌های عظیم این شهر در این زمینه، توسعه گردشگری می‌تواند یکی از راه‌های مهم کسب درآمدهای پایدار برای مدیریت شهری باشد. لذا شایسته است متولیان امر و مدیران شهری ملارد با برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسانه و بدون نگاه‌های سلیقه‌ای و با همکاری بخش خصوصی و هماهنگی‌های بین بخشی و تعامل هوشمندانه با ارگان‌های دولتی نسبت به طراحی و برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های مبتنی بر رونق گردشگری شهری اهتمام داشته باشند.

مهم‌ترین راهکارها و پیشنهادها در راستای توسعه گردشگری ملارد را این چنین می‌توان برشمرد:

۱- تأکید بر برنامه‌ریزی اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی-خدماتی به گردشگران شهری به صورت مستمر نه فقط در زمان‌های خاص از سال، با همکاری بخش‌های مختلف مدیریت اجرایی شهر و میراث فرهنگی شهرها و کلاشهرها؛

۲- تأکید بر توسعه عمران شهری و ایجاد خیز در جهت نوسازی بافت فرسوده شهر و حوزه گردشگری شهری، همراه با مشارکت بخش خصوصی، دولتی، حکومتی و ارائه تسهیلات بسیار مناسب به افراد مشارکت‌کننده در توسعه این حوزه پایدار شهری؛

۳- تأسیس و بازسازی مجموعه‌های گردشگری، تفریحی در حوزه شهر و حومه شهر با مشارکت بخش خصوصی و حکومتی یا دولتی؛

در طول سال‌های گذشته باعث شده تا بهره‌وری قابل توجهی از توانمندی‌ها و استعدادهای موجود در این شهرستان حاصل نشود. به‌طور یقین با طراحی یک برنامه‌ریزی اصولی و مدون بلندمدت در طول سال‌های گذشته، امروز ملارد به یکی از نقاط برجسته گردشگری تبدیل شده بود که علاوه بر تأمین نیازهای سیاحتی و فراغتی ساکنان این شهرستان، مردم شهرهای دیگر را نیز برای بهره‌گیری از امکانات توریستی متنوع می‌کرد. به عنوان مثال از پروژه‌های موفق در این زمینه و در شهرهای همجوار بازار ایرانی اسلامی اندیشه از نمونه پروژه‌هایی به شمار می‌رود که مؤید صحت این ادعاست، طرحی عظیم و برجسته که اگر نگوییم بی‌نظیر، اما بدون شک از مراکز تفریحی کم‌نظیر در کشور به شمار می‌رود که تنها نمونه آن در شهری همچون اصفهان با آن قدمت و عظمت باشکوه تاریخی مشاهده می‌شود.

پروژه‌ای که تا حدودی اثبات کرد با تدوین و طراحی برنامه‌ریزی‌های اصولی می‌توان شهر را به‌عنوان برندی شاخص در ایران و شاید جهان معرفی کرد.

ممکن است در نگاه اول تبدیل شدن ملارد به برندی کشوری و فرا منطقه‌ای رؤیایی به نظر برسد، اما نگاهی اجمالی به ظرفیت‌های موجود در این خطه از کشور همچون آب‌وهوای مطلوب، فرآورده‌های کشاورزی منحصربه‌فرد، باغات انبوه، روستاهای تاریخی متعدد، قدمت هفت هزار ساله باستانی این منطقه، نزدیکی به فرودگاه‌های مهرآباد، پیام و امام خمینی (ره) ظرفیت‌هایی است که می‌تواند این رؤیا را به واقعیت تبدیل کند.

علیرغم استعدادهای متنوع در این شهرستان، سرانه امکانات تفریحی و سیاحتی در این منطقه قابل قبول نیست.

شهرستان ملارد با وجود باغات انبوه و متعدد اما در عرصه امکانات تفریحی همچون شهربازی، سینما، هتل و... با کمبود و کاستی روبرو است و در اغلب قریب به اتفاق مواقع برای استفاده از چنین امکاناتی به ناچار باید به استان البرز و یا تهران مراجعه کرد.

به‌عنوان مثال شهرستانی با بیش از ۴۰۰ هزار نفر جمعیت تنها از یک شهربازی مجهز به تجهیزات و ادوات بازی‌های برقی برخوردار است که به هیچ‌عنوان جایگویی نیاز جمعیت انبوه این شهرستان نیست. پتانسیل‌های طبیعی شهر از جمله منطقه زیبا و سرسبز خوشنام که تفرجگاه بسیاری از مردم شهرهای همجوار نیز محسوب می‌شود مورد غفلت قرار گرفته است هرچند که اخیراً اقداماتی در راستای بهسازی راه‌های دسترسی به آن در حال انجام است ولی متأسفانه عدم برنامه‌ریزی و طرح مناسب در این زمینه باعث به هدر رفتن این ظرفیت عظیم در منطقه شده است.

بنابراین جهت توسعه پایدار شهری نباید از ضرورت طراحی نقشه راهی منسجم و اصولی برای شهرستانی با ویژگی‌های ملارد به‌سادگی گذشت که در سایه آن می‌توان با یک برنامه‌ریزی همه‌جانبه و مدون، افق و آینده شهر را در سه مقطع کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در ابعاد گوناگون سیاحتی و گردشگری ترسیم و عملیاتی کرد.

طرح‌های مطالعاتی از ضروریاتی است که با عنایت به کارشناسی و مطالعاتی، امکان‌سنجی‌ها و نیازسنجی‌های لازم و متناسب با طرح در آن دیده و تعریف می‌شود. لذا حوزه گردشگری شهرستان ملارد نیازمند طرحی جامع، دقیق و کارشناسانه است که در این طرح تمامی نیازهای سیاحتی و گردشگری ملارد در



مختلف شهر در طی سال و تعبیه افزایش دستگاهای مکان یابی برای گردشگری شهری؛

۱۵- ایجاد پژوهش های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، در حوزه گردشگری و حمایت همه جانبه در بسط پایداری توسعه گردشگری شهری از نتایج پژوهشی و برنامه ریزی های متنوع براساس یافته های اینگونه تحقیقات؛

۱۶- ایجاد تغییر نگرش های مسئولان و شهروندان نسبت به گردشگران شهری، برای جذب پایدار توریسم شهری؛

۱۷- ایجاد راهکارهای مناسب برای تقویت حل مشکلات گردشگری و کنترل معضلات «کنترل ترافیک- تخریب فضای سبز- عدم امنیت گردشگر، نحوه ارائه خدمات به توریسم، حمل و نقل داخلی و خارجی به گردشگر و...»؛

۱۸- ارائه مدیریت اجرایی مناسب برای ارائه اطلاعات صحیح از اماکن تاریخی، فرهنگی به گردشگر؛

۱۹- رفع ناهماهنگی ها در جهت ارائه خدمات و برنامه ریزی های متنوع به گردشگر شهری و مسئول بودن تمام نهادهای متولی نسبت به ایجاد هرگونه مشکل و تلاش همه جانبه نهادهای متولی برای حل مشکلات و مسائل گردشگران شهری؛

۲۰- مسئولیت پذیری و پاسخگویی تمام نهادهای موثر در این حوزه برای ارائه هرگون خدمات مناسب به گردشگر، در جهت توسعه پایدار توریسم شهری؛

۲۱- تلاش در جهت شکل گیری مناسب پروسه فرایندهای اطلاعاتی به گردشگر شهری؛

۲۲- کنترل اطلاعات و جلوگیری از اطلاعات ناقص در زمینه های مختلف این حوزه به گردشگر؛

۲۴- طراحی وبلاگ ها، سایت های گردشگری مجازی، رسانه اختصاصی به معرفی جاذبه های گردشگری از جمله توریسم شهری به صورت محلی- منطقه ای- ملی و بین المللی؛

۲۵- حمایت از مشارکت بخش خصوصی- انجمن ها و سازمان های مردم نهاد در قالب ارائه دستاوردها- فعالیتهای فرهنگی محلی به گردشگر شهری.

۴- رقابت مدیریت اجرایی کلانشهرها، در جهت برپایی نمایشگاه های متنوع، المپیادهای مختلف (ملی- منطقه ای- بین المللی)، همایش های ملی و بین المللی و منطقه ای. استفاده از فرصت های مناسب در زمان این فعالیت ها برای معرفی جاذبه های گردشگری شهری. (به عنوان مثال برگزاری مسابقات کشتی با چوچه که در ملارد اجرا می گردد که متأسفانه فقط از آن بهره برداری سیاسی می گردد.)

۵- ارائه نیازمندی های متنوع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، خدماتی به گردشگران در قالب شیوه های متنوع اطلاع رسانی؛

۶- تقویت مشارکت بخش خصوصی و شهروندان در جهت رشد بخش های مختلف گردشگری شهری و جلوگیری از عدم انحصاری بودن این بخش ها در دست نهادهای حکومتی؛

۷- ایجاد بسترهای آمایشی مختلف در جهت توسعه پایدار گردشگری شهری، با توجه به حمایت های همه جانبه مدیریت گردشگری شهری؛

۸- ایجاد بسترهای لازم برای رفع نیازهای تفریحی و فراغتی گردشگران شهری (فضاهای سبز، بوستان ها، پارکها، شهرسازی های سنتی و مدرن، مراکز خرید مجهز و مدرن در نقاط مختلف شهر)؛

۹- وجود تسهیلات و امکانات حمایتی از بخش خصوصی در گسترش موارد اشاره شده در شماره ۸ و جلوگیری از انحصاری بودن این فضاها در دست عده ای خاص؛

۱۰- احیاء و بازسازی جاذبه های تاریخی، فرهنگی شهر و توسعه همه جانبه میراث شهری؛

۱۱- توسعه گسترش فضاهای مدرن چون بسط مراکز فرهنگی، تئاتر، سینماها، کنسرت های ملی، منطقه ای و محلی، میداین نمادین شده شهر، تلفیق و ترکیب سنت و مدرنیته در حوزه بازسازی فضاهای گردشگری شهری؛

۱۲- ایجاد فعالیت های تفریحی و فراغتی، مهیج، پویا، انعطافی، با برنامه ریزی های مدرن و مکانیکی از سوی مدیریت شهری برای جذب گردشگر شهری؛

۱۳- تربیت نیروی متخصص در جهت بهره برداری تورهایی گردشگری شهری، راهنمایان تورهایی شهری و حومه شهرها؛

۱۴- گسترش کیوسک های اطلاعاتی گردشگری در نقاط

منابع: ۱- اکبرزاده ابراهیمی، محمد حسن، رشد گردشگری محلی توسعه گردشگری شهری ۱۳۸۶-۲ سقایی، مهدی، (۱۳۸۸). گردشگری شهری، ۱۳۸۸-۳- قلعه ای، محمد حسین، نقش گردشگری در توسعه شهرها، ۱۳۸۷-۴- دیناری، احمد، گردشگری شهری در ایران و جهان، ویرایش اول، مشهد، ۱۳۸۷-۵- موحد، علی، گردشگری شهری، انتشارات

دانش آموزان برتر آموزشگاه شهید مصطفی خمینی ۱



دانش آموزان برتر آموزشگاه شهید مصطفی خمینی ۲



اسامی دانش آموزان ممتاز دبیرستان هیئت امنایی مهدی مقربی

نوبت اول، سال تحصیلی ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵



محمد مهدی عبادتی
کلاس ۸/۴
رتبه دوم، معدل ۱۹/۸۶



علی حبیبی فیضی
کلاس ۸/۲
رتبه دوم، معدل ۱۹/۸۶



امیر صالح ماهروح
کلاس ۷/۳
رتبه سوم، معدل ۱۹/۷۱



علیرضا رشیدی تبار
کلاس ۷/۱
رتبه اول، معدل ۲۰



علیرضا رحمانی
کلاس ۸/۴
رتبه سوم، معدل ۱۹/۷۹



مهدی عباسی
کلاس ۸/۲
رتبه سوم، معدل ۱۹/۷۱



عباس ابوالحسنی
کلاس ۸/۱
رتبه اول، معدل ۲۰



امیررضا فاضی
کلاس ۷/۱
رتبه دوم، معدل ۱۹/۸۶



محمد رضا شورایی
کلاس ۸/۴
رتبه سوم، معدل ۱۹/۷۹



علی ییگتن
کلاس ۸/۲
رتبه سوم، معدل ۱۹/۷۱



امیررضا فلی پور
کلاس ۸/۱
رتبه دوم، معدل ۱۹/۹۳



نیما پرمهر
کلاس ۷/۱
رتبه سوم، معدل ۱۹/۷۱



ابولفضل یاوری
کلاس ۹
رتبه اول، معدل ۲۰



علیرضا سبزی
کلاس ۸/۳
رتبه اول، معدل ۲۰



حسین علی گرانویدیان
کلاس ۸/۱
رتبه سوم، معدل ۱۹/۷۱



سپهر محمودی
کلاس ۷/۲
رتبه اول، معدل ۱۹/۹۳



امیر حسین ادیبیان
کلاس ۹
رتبه اول، معدل ۲۰



یاسین ترک زبان
کلاس ۸/۳
رتبه اول، معدل ۲۰



محمد ابراهیمی
کلاس ۸/۱
رتبه سوم، معدل ۱۹/۷۱



امیر محمد کریمی
کلاس ۷/۲
رتبه دوم، معدل ۱۹/۸۶



علیرضا میرزا تبار
کلاس ۹
رتبه اول، معدل ۲۰



علی کراوند
کلاس ۸/۳
رتبه دوم، معدل ۱۹/۹۳



سالار محمدی
کلاس ۸/۱
رتبه سوم، معدل ۱۹/۷۱



امیر حسین محمدی
کلاس ۷/۲
رتبه سوم، معدل ۱۹/۷۹



فرحان فاضلی
کلاس ۹
رتبه دوم، معدل ۱۹/۹۳



محمد مهدی احمدی
کلاس ۸/۳
رتبه سوم، معدل ۱۹/۷۹



علیرضا فریمانی
کلاس ۸/۱
رتبه سوم، معدل ۱۹/۷۱



محمد مهدی یوسفی
کلاس ۷/۳
رتبه اول، معدل ۱۹/۹۳



علیرضا طونی
کلاس ۹
رتبه دوم، معدل ۱۹/۹۳



محمد مهدی توفیقی
کلاس ۸/۴
رتبه اول، معدل ۱۹/۹۳



محمد رضا عبادی
کلاس ۸/۲
رتبه اول، معدل ۱۹/۹۳



یاسین صفری
کلاس ۷/۳
رتبه دوم، معدل ۱۹/۷۹



مرتضی کریمی
کلاس سوم
رتبه سوم، معدل ۱۹/۸۶



رضا نظری
کلاس ۸/۴
رتبه اول، معدل ۱۹/۹۳



امیر حسین فرهمندی
کلاس ۸/۲
رتبه دوم، معدل ۱۹/۸۶



غریبا فیروزی
کلاس ۷/۳
رتبه دوم، معدل ۱۹/۷۹



مرتضی کریمی
کلاس سوم
رتبه سوم، معدل ۱۹/۸۶



عین صدیقی
کلاس ۸/۴
رتبه دوم، معدل ۱۹/۸۶



آرمان عینی
کلاس ۸/۲
رتبه دوم، معدل ۱۹/۸۶



امیرعلی نوروزی
کلاس ۷/۳
رتبه دوم، معدل ۱۹/۷۹

با آرزوی موفقیت های روزافزون